

فران و فرهنگ اصلاح الگوی مصرف

حجه الاسلام والمسلمین علی رهبر

فصل اول مصرف آگاهانه

خدواند می فرماید :

ولو یسبط الله الرزق لعباده لیغوا فی الارض ...^۲
اگر خدواند ، رزق را برای بندگان توسعه می داد، قطعاً در زمین تباهی می کردند...

در دنبال می فرماید:

اما به اندازه آنچه مصلحت ببیند، نازل می کند ...

از این آیه می فهمیم :

حس اندوختن ، حالت توسعه دادن و احساس بی نیازی به غیر خود، در پشت صحنه حالات انسان تربیت نیافته، حضور دارد، خدواند برای جلوگیری از طغیان انسان و مانع شدن از قطع ارتباط تضرع آمیزی او با خدا، رزق را به تدریج سامان می دهد و حکمت خشک سالی ها، یا آزمون است و یا به تضرع کشیدن انسان در برابر خدا و یا عاملی برای تطهیر او از گناهان !

بعد از اعطاء رزق ، فرمان اعتدال می دهد:

... و لا تسرفوا ...^۳

اسراف نکنید !

و می فرماید :

ان المیزرین كانوا اخوان الشیاطین ...^۴

تبدیر گران قطعاً برادران شیطان ها هستند

« و تری الارض هامده فانذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربث و انبتت من کل زوج بهیج »^۱

زمین را در زمستان خشک و مرده می بینی، آنگاه که بر آن آب نازل می کنیم، به حرکت و فعالیت می افتد و رشد و نمو می کند و (رویدنی های) گوناگون از گیاهان زیبا برویاند

چون نیک بنگریم ، قیامت بزرگ، در قالب شکوفائی

زیبائی های فرح افزای طبیعت و جریان دوباره حیات ، جلوه می کند ! هر بهار تمثیلی از رستاخیز است و رویش بذر های پیشین ! هر سال، برای خیزش و شکوفائی استعداد های خفته و نهفته، نام گذاری می شود و رهبر گرامی انقلاب اسلامی با امید بهمین ایجاد موج، مردم را به حرکتی نوین فرا می خوانند. خدواند، در آیه کریم بالا، آب را مجرای جریان حیات دوباره در طبیعت، به امر خود ، معرفی می کند و ما در هر سال در جشن و شکوفائی حیات نوین طبیعت، شرکت می کنیم و تبریک خود را نثار طبیعت نموده و تبارک الله ها تقدیم خدواند جنبش آفرین شود.

برای نثار تبریک به یکدیگر می بایست، آفرینشی، به اذن خدایه، دست ما شکل پذیرد تا شایسته تبریک شویم ! باید استعداد های فطری بی پایان خود را که جریان بخش جنبش در حیات ما است شناخت و شکوفا کرد ! سال نوین ((سال اصلاح الگوی مصرف)) است که یک پیام بجا و سزا است و به حق که فرزادگی در انتخاب آن موج می زند !

اسراف، از حد گذشتن در هر کاری است که انسان انجام می دهد و این اسراف در انفاق و خرج کردن، شهرت بیشتری دارد^۵. و اما تبذیر که از ریشه بذر است، ریخت و پاش و بی ضابطگی در مصرف رامی گویند.

و اما تفاوت میان اسراف و تبذیر :

اسراف، تجاوز حد است در صرف مال و غیر مال ولی تبذیر اتلاف مال است در غیر جایگاهش. به همین دلیل تبذیر عقوبت جدی تری دارد. به نظر می آید که اسراف نقطه مقابل تعادل در مصرف است و تبذیر نیز ریخت و پاش بی ضابطه. مثلاً فردی که در یک مهمانی سه یا چهار نوع غذای رنگارنگ بر سر سفره می آورد، اسراف می کند و آنکه باقی مانده حتی یک نوع غذا را دور می ریزد اهل تبذیر است.

به نظر می آید که هر اسراف، تبذیر محسوب می شود. عموم مردم به شکلی، به جز خواص، در دام تبذیر می افتند. دانستن الگوی مصرف در تنوع غذا، کیفیت، کمیت و مصرف عادلانه حاکم است. خداوند ارج نهادن به نعمت ها را مورد تجلیل قرار می دهد و برکت و حفظ سرمایه ها، میوه اعتدال در مصرف است.

خداوند بنده شاکر را، زیادت وعده داده و شکر نعمت، استفاده بهینه نعمت ها و بکار گیری آن در راه طاعت خداوند است.

مرحوم علامه شهید مطهری (ره) در تعریف زهد فرموده اند:

زهد، بهره مندی اندک برای بازدهی بیشتر است، که البته این تعریف، بیان لازمه زهد است و الا زهد، روح بی رغبتی و ولع نسبت به دنیا و مافیهاست که حالات دیگری را در فرد شکل می دهد که مهمترین آنها، تنظیم و اعتدال در مصرف است.

امید است، سال ۸۸ به مقالات و سمینار ها و فراخوان ها نگذرد و هرکس، از خود شروع کند و امر به صرفه جوئی و صحیح مصرف کردن و نهی از اسراف و تبذیر، عادت پسندیده ما شود.

◆ پی نوشت

- ۱- حج، آیه ۵
- ۲- شوری، آیه ۷۲
- ۳- اعراف، آیه ۱۳
- ۴- اسراء، آیه ۷۲
- ۵- مفردات راغب، ذیل سرف